



## "به نام خدا"

اساسی‌ترین مبنای نظری ما در دبستان موعود، توصیف ۳ مرحله‌ای دوره‌های تربیت انسان توسط پیامبر (ص) (هفت سال اول سروری، هفت سال دوم تکلیف‌پذیری و هفت سال سوم وزیری) است. با توجه به این فرموده، و با در نظر گرفتن یافته‌های نوین و ارزشمند علم تعلیم - تربیت، موقعیت‌های رشد دانش‌آموزان را در دو حوزه تعریف و دسته‌بندی کرده‌ایم.

**حوزه ۱: موقعیت‌هایی از رشد هستند که درباره همه تقریباً هم‌شکل‌اند.** تلاش، تمرین و رشد در زمینه این موقعیت‌ها را می‌توان از همه انتظار داشت. به عنوان مثال **می‌توان و باید گفت:** کودکان هفت ساله باید به میزان معینی توان حرکتی خاصی را داشته باشند. کودکان ۱۰ ساله باید به میزان معینی از سلامت جسمانی در زمینه ای مشخص برخوردار باشند، آدم‌ها همه باید تلاشگر باشند، آدم‌ها همه باید منظم باشند، آدم‌ها همه باید مسئولیت‌پذیر باشند. به طور کلی، هر موقعیت رشدی که واجد خصوصیت همگانی شدن باشد، در این حوزه قرار می‌گیرد. در این موارد اصول را؛ جامعه، فلسفه تعلیم و تربیت و فرهنگ متعالی، تعیین می‌کنند.

و ما طی برنامه‌هایی دقیق و آگاهانه دانش‌آموزان را با تمرین‌های مناسب در جهت نیل به اهداف تعیین شده هدایت می‌کنیم.

**نکته مهم:** برای موفقیت در این حوزه می‌توان از "انگیزش بیرونی سازنده" استفاده کرد.

نمونه ای از فعالیت‌های دبستان موعود در این حوزه، رشد دانش‌آموزان در زمینه‌ی مسئولیت‌پذیری است. ما فکر می‌کنیم؛ "مسئولیت، بازی نیست". در این راستا، طی برنامه ریزی‌های کارشناسانه و دقیق، با توجه به میزان شدت و گستردگی مناسب برای موقعیت رشدی هر فرد، مسئولیت‌هایی به دانش‌آموزان سپرده می‌شود و حُسن انجام آن‌ها با دقت بررسی می‌شود. پیشرفت بچه‌ها در این زمینه، برای مربیان و اولیای دبستان موعود، بسیار مهم است. طراحی این فرآیندها و همچنین فرآیندهای دیگر حوزه ۱، از جمله؛ استقلال امور فردی، نظم امور فردی، تکلیف‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های روان - حرکتی و ...، زمان قابل توجهی از سلسله جلسات شورای تخصصی و برنامه‌های روزانه مدرسه را به خود اختصاص می‌دهد.



**حوزه ۲: موقعیت‌هایی از رشد هستند که برای هر فرد به شکل متفاوتی از دیگران اتفاق می‌افتد.** بنابراین نمی‌توان در این زمینه‌ها از دانش‌آموزان انتظار مشخصی داشت و بالطبع نمی‌توان آنها را به طور یکسان به انجام فعالیت‌های از پیش تعیین شده وادار کرد. بلکه می‌بایست برای هر فرد با توجه به خصوصیات ذهنی و شناختی و علاقه مندی‌های او، برنامه ریزی ویژه ای داشت. رعایت این نکته مستلزم حضور تعداد محدود دانش‌آموز و تعداد بیش از ۱ معلم در کلاس می‌باشد. درخصوص موقعیت‌های حوزه دو، به عنوان مثال: **نمی‌توان و نباید گفت:** کودکان ۷ ساله باید به میزان خاصی از یادگیری شناختی درباره موضوع معینی برسند یا کودکان ۱۰ ساله باید به موضوع معینی علاقه مند باشند یا آدم‌ها همه باید خلاق باشند و یا همه باید شغل خاصی داشته باشند. در این موارد اصول را تمایلات ذهنی و شناختی دانش‌آموزان تعیین می‌کند و ما می‌بایست با شناخت حرفه ای این تمایلات زمینه‌های هرچه متنوع تر و واگرایانه‌تر یادگیری را برایشان فراهم کنیم.

**نکته مهم: موفقیت در این حوزه نیازمند "انگیزش درونی" است.**

کتاب‌های درسی به عنوان شاخص‌ترین نمونه‌ی موقعیت‌های رشد در حوزه ۲، در دبستان موعود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. اعتقاد داریم موضوعات یادگیری که در کتاب‌ها آمده‌اند، باید به بهترین شکل ممکن با توجه به یافته‌های نوین علم "تعلیم-تربیت" تدریس شوند.

در این زمینه چند نکته مهم وجود دارد:

۱- برای عموم کودکان، بهترین "شیوه یاددهی - یادگیری" زمانی اتفاق می‌افتد که موضوع یادگیری را؛  
الف - لمس کنند

وَ

ب - از آن تصویر بسازند

وَ

ج - درباره‌اش بنویسند

وَ

د - سعی کنند آن را به دیگران یاد بدهند و از دیگران یاد بگیرند.



شیوه‌های دیگر تدریس همانطور که از نامشان پیداست در اصل "شیوه‌های تدریس" هستند، نه الزاما شیوه‌های یادگیری. یعنی شاید در آن شیوه‌ها، تدریس به خوبی اتفاق بیفتد، اما نمی‌توان انتظار داشت حتما به یادگیری خوبی منجر شوند.

به طور کلی، یادگیری یک مفهوم، با کسب مهارت ارائه آن مفهوم، تفاوت دارد. یعنی اینکه احتمال دارد دانش‌آموزی مفهوم یک نکته‌ی آموزشی را به خوبی درک کرده باشد اما مهارت ارائه کامل آن نکته را در آزمون نداشته باشد و بالعکس ممکن است دانش‌آموزی مهارت خوبی در ارائه یک نکته در آزمون کسب کرده باشد اما مفهوم آن را نداند. کسب مهارت ارائه، مستلزم تکرار و تمرین است و تکرار و تمرین، اگر برخاسته از انگیزه‌های درونی نباشد، خوشایند ذائقه یادگیری کودکان نیست و چون اینگونه است، منجر به یادگیری اصیل\* نمی‌شود. ما نباید به خاطر "ایجاد مهارت ارائه"، ضرورت بسیار مهم یادگیری اصیل را فراموش کنیم.

۲- یادگیری به شکلی که در نکته (۱) توضیح داده شد، نیاز به اختصاص زمان کافی، ابزار مناسب، برنامه ریزی آگاهانه و تخصصی، فضا سازی و ... برای فرآیند یاددهی \_ یادگیری دارد. این نوع فرایند یاددهی \_ یادگیری، از طرفی لذت بخش، عملی، عمیق و ارزشمند است و از طرفی باعث می‌شود شیوه یادگیری دانش‌آموز، در طول عمر، مشتاقانه و حداکثری باشد.

۳- زمان محدود است و باید برای اختصاص دادن آن، اولویت‌ها را در نظر گرفت. بنابراین با تکرار و تمرین و صرف زمان برای آن به ویژه در سال‌های ابتدایی دبستان مخالفیم. ما با توجه به قواعد آموزش و پرورش و الزامات دوره متوسطه، متعهد به تامین میزانی از مهارت ارائه در دانش‌آموزان هستیم و به این جهت پس از گذر از سال‌های ابتدایی دبستان، از نیمه دوم سال چهارم یا از ابتدای سال پنجم، برنامه تکرار و تمرین به شکلی که به اصالت فرآیند یاددهی یادگیری لطمه ای وارد نکند، به تدریج وارد برنامه‌های آموزشی خواهد شد.

\* به زعم دانشمندان، یادگیری اصیل، یادگیری است که همراه با "لذت حاصل از یادگیری" باشد.





وقتی به تعداد قابل توجه موقعیت‌هایی که در آن‌ها گفتگو شکل می‌گیرد فکر کنیم، متوجه می‌شویم که می‌بایست فضای مناسبی را برای این حجم نسبتاً زیاد ارتباط‌ها ایجاد کنیم. هر مولفه‌ای هر چقدر هم کوچک و کوتاه مدت باشد، وقتی به طور مستمر اتفاق می‌افتد باید منوط به قواعد آگاهانه‌ای باشد.

استمرار بسیار اثر گذار است. تفاوت بین ادبیات آگاهانه گفتگو و ادبیات غیر آگاهانه، مثل تفاوت بین هوای سالم و ناسالم برای تنفس است.

نیاز کودک به توجه مثبت نامشروط، یک نیاز حیاتی است. از طرفی نقش تربیتی و هدایتگری خانواده را نیز در رشد و تربیت کودک نمی‌توان نادیده گرفت. ما اعتقاد داریم، نقش حمایتگری و توجه مثبت نامشروط، به عهده مادر و نقش هدایتگری مقتدرانه، به عهده پدر می‌باشد. در دبستان موعود برای ایفای این نقش‌ها، برنامه و سناریوی مدون و قابل اجرایی طراحی شده که تا کنون نتایج بسیار خوبی به دنبال داشته است.

گفتیم که اساس رویکرد آموزشی دبستان موعود، **توصیف ۳ مرحله‌ای دوره‌های تربیت انسان توسط پیامبر (ص)** (هفت سال اول سروری، هفت سال دوم تکلیف‌پذیری و هفت سال سوم وزیری) است. از طرفی حوزه‌های موقعیت‌رشد (حوزه ۱ و حوزه ۲) نیز در برنامه ریزی و طراحی فعالیت‌های دبستان، نقش اصلی دارند. ترکیب شرایط دوره‌ای هفت ساله اول و دوم با حوزه‌های ۱ و ۲ به اجمال، در جدول زیر قابل مشاهده است.



حوزه ۲	حوزه ۱	
<p>آنچه باید رعایت شود؛ محیطِ هرچه متنوع‌تر، واگرایانه‌تر و به ویژه طبیعی‌تر بازی فردی و اجتماعی</p> <p>شیوه؛ هرچی تو بگی.</p>	<p>آنچه باید رعایت شود؛ الزامات سلامتی</p> <p>شیوه؛ به هر شکلی که احساس سروری کودک خدشه‌دار نشود. مثلاً؛ الهی قربونت برم! میخوای؟! ... آخه... خودت میدونیا...! ولی مجبوریم...!</p>	۷ سال اول
<p>آنچه باید رعایت شود؛ رشد زمینه‌هایی که مورد علاقه اوست و به اجبار جامعه آموزشی، کتاب‌های درسی</p> <p>شیوه؛ انواع و اقسام شیوه‌های دانش‌آموز محور و فعالیت محور، با توجه به تمایلاتِ هر دانش‌آموز و احترام به تفاوت‌های فردی آن‌ها</p>	<p>آنچه باید رعایت شود؛ ادب، نظم شخصی، تلاشگری، مسئولیت‌پذیری</p> <p>شیوه؛ پدر: فکر می‌کنم این‌طوری درسته. مادر: همونی که بابا تشخیص داده رو انجام می‌دیم. حالا ببینم می‌تونم باهش حرف بزنم که کمی آسون‌تر بشه؟</p>	۷ سال دوم



## رقابت آری یا نه؟

آنچه ایجاد رقابت بین بچه‌ها را برای بعضی دست‌اندرکاران تعلیم-تربیت مجاز می‌نمایند، ایجاد انگیزه پیشرفت است.

خطرناک‌ترین آسیب‌های حتمی ایجاد رقابت بین بچه‌ها، این است که کودک می‌آموزد در طول زندگی:

(الف) زمینه‌های پیشرفت خود را در آنچه دیگران مطلوب می‌دانند جستجو کند.

(ب) انگیزه‌های پیشرفت خود را از میل به تایید و تشویق دیگران و یا ترس از سرزنش و تنبیه دیگران بگیرد.

(ج) لذت بردن از شکست دیگران را جایگزین احساس همدلی و کمک به پیشرفت جمعی کند.

دست‌اندرکاران تعلیم-تربیت این آسیب‌ها را می‌شناسند، اما تنها به دلیل اینکه خود را در ایجاد انگیزه به شیوه‌های درست ناتوان می‌انگارند، بین بچه‌ها رقابت ایجاد می‌کنند. گاهی نیز همکاران ما صرف زمان و توان برای کشف شیوه‌های دیگر انگیزش را مقرون به صرفه نمی‌دانند، اما همه می‌دانیم آسیب‌های ایجاد رقابت بسیار بسیار زیاد هستند. دست آوردها و امتیازات نا مطمئن و نا پایدار ایجاد رقابت، در قبال آسیب‌های آن بسیار ناچیز است.

آسیب‌های ایجاد رقابت ، تنها به یادگیری شناختی محدود نمی‌شود بلکه رشد عاطفی کودک امروز و بزرگسال آینده را نیز با اختلال و انحراف مواجه می‌سازد.